

تحلیل برنامه درسی موجود دوره ابتدایی از منظر تربیت اقتصادی؛ چالش‌ها و موانع

شهرام فضلعلی زاده صوفی^۱، جعفر قهرمانی^۲، محمدباقر علیزاده اقدام^۳

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، تحلیل برنامه درسی موجود دوره ابتدایی از منظر تربیت اقتصادی؛ چالش‌ها و موانع بوده و پژوهش از نوع کیفی می‌باشد، جامعه آماری شامل متخصصان برنامه درسی، اقتصاد و معلمان دوره ابتدایی صاحب‌نظر در زمینه تعلیم و تربیت اقتصادی و برنامه‌های درسی است که شیوه انتخاب آن‌ها هدفمند و ملاک محور بود. با تعداد بیست نفر تا مرحله اشباع نظری مصاحبه شد، شامل ۸ معلم و ۱۲ متخصص برنامه درسی و اقتصاد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته در طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شد که در قالب جداول سه‌گانه در متن مقاله به آن‌ها اشاره شده است، بر اساس یافته‌های حاصل، مضامین فرعی تربیت اقتصادی (فرهنگ و نگرش، بهره‌وری، شایسته‌سالاری و ...) و مفاهیم کلی (افزایش سطح تولید با تلاش مردم، افزایش درآمد، مدیریت هزینه، اراده و نگرش افراد جامعه، رشد اقتصادی و بالا رفتن بهره‌وری جامعه) از فراوانی بالایی از نظر متخصصین برنامه‌ریزی، اقتصاد و معلمان برخوردارند. به‌طور کلی دسته توسعه اجتماعی از اولویت خاصی از دیدگاه متخصصین برخوردار بودند.

کلیدواژه‌ها: تعلیم و تربیت، تربیت اقتصادی، برنامه درسی

^۱ دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران

^۲ استادیار دانشکده علوم انسانی، گروه علوم تربیتی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران.

^۳ دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، گروه علوم تربیتی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران.

مقدمه

در میان تمام مسائل یک جامعه، اقتصاد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل زندگی مطرح است، زیرا استقلال جامعه و قدرت مقاومت آن در مقابل حوادث طبیعی و اجتماعی، شکوه و عظمت یک جامعه در مقابل جوامع دیگر و ثبات سیاسی آن، بستگی به حل مشکلات و رفع کمبودهای اقتصادی آن جامعه دارد. طغیانی و زاهدی وفا (۱۳۹۱) تربیت اقتصادی را این‌گونه تعریف می‌نمایند: تربیت اقتصادی عبارت است از برنامه‌ها و اقداماتی است که اغلب کشورهای پیشرفته برای فرهنگ‌سازی در حوزه اقتصاد اجرا می‌کنند. به عقیده طغیانی و پیغامی (۱۳۹۵)، هدف از این برنامه‌ها، فهم خوب و کافی از دانش اقتصاد برای آحاد آن جامعه است به‌نحوی که در عرصه مسائل اقتصادی شخصی و مسائل پیچیده‌تر از قبیل سیاست‌های اقتصادی کشور، بتوانند ادراک، قضاوت و رفتارهای مستدل و عقلایی را در یک دنیای پیچیده و متحول از خود نشان دهند. متوسلی و آهنچیان (۱۳۹۴) بیان می‌دارند که نادیده گرفتن این وجه در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات انسانی، به پیامدهایی منجر خواهد شد که می‌تواند برای فرد و جامعه خسارت‌بار و جبران‌ناپذیر باشد. اگر بخواهیم در جامعه، اقتصاد سالم و متعادل داشته باشیم، نیاز است تا آموزش و پرورش به تربیت نیروی انسانی کافی و متخصص بپردازد. عمادزاده (۱۳۹۵) معتقد است، افراد از طریق آموزش توانا تر می‌شوند و این توانایی موجب می‌شود هم خودشان و هم جامعه‌شان به درآمد بیشتری دست یابند. از نظر او آموزش افراد نوعی سرمایه‌گذاری در آنهاست. متوسلی (۱۳۷۰) نتیجه‌گیری نمود که اقتصاد و آموزش و پرورش دو رکن اساسی هر دولتی هستند که می‌خواهند با اتکا به نیروی انسانی، برنامه‌های درسی، منابع و درآمد خود بدون وابستگی به ملل دیگر تحولی عظیم و پیشرفتی سریع را برای جامعه در تمامی زمینه‌ها به ارمغان آورند. هر چه آموزش و پرورش بیشتر با اقتصاد کشور هم‌آهنگ شوند، رشد اقتصادی جامعه سریع‌تر شود، منابع و امکانات بیشتری به‌نظام آموزشی و مدارس تخصیص می‌یابد و این منابع در جهت تربیت نیروی انسانی کارآمد به کار گرفته خواهند شد. «اقتصاد آموزش و پرورش شاخه‌ای از علم اقتصاد است که کاربرد صحیح منابع را در آموزش و پرورش بررسی می‌کند و به تحقق هدف‌های نظام آموزشی به اقتصادی‌ترین وجه یاری می‌رساند.» متوسلی و آهن چیان (۱۳۹۴) اظهار می‌دارند که برای بیان تأثیری که اقتصاد بر آموزش و پرورش می‌گذارد، توجه به دو نکته ضروری است. یکی تأثیری است که وضعیت کلی اقتصاد جامعه و درآمد عمومی هر کشور بر آموزش و پرورش دارد و دیگری تأثیری که روابط صحیح یا غلط اقتصادی حاکم بر جامعه بر آموزش و پرورش می‌گذارد. در کشور کره جنوبی اولین گام‌ها در زمینه آموزش مفاهیم اقتصادی توسط وزارت آموزش، علم و فن‌آوری در دهه هشتاد و نود میلادی برداشته شد و نتیجه آن پیش‌بینی مجموعه‌هایی از برنامه‌های آموزش مفاهیم اقتصادی

در مقاطع مختلف تحصیلی دوره آموزش عمومی بود (KCEE, ۲۰۰۸). در آلمان معتقدند که با توجه به اهمیت در حال رشد و افزایش پیچیدگی ساختارها و فرآیندهای اقتصادی لازم است آموزش‌های پایه برای مواجهه با الزامات اقتصادی در زندگی فردی، حرفه‌ای - شغلی و اجتماعی و نیز درک وابستگی‌های متقابل بین اجتماع، اقتصاد و سیاست در اولویت قرار گیرد. توجه به تعلیم و تربیت اقتصادی به‌عنوان یک آموزش عمومی پایه، کودکان، نوجوانان و جوانان را قادر می‌سازد تا به فهمی عمیق نسبت به وضعیت اقتصادی محیط اطراف خود نائل گردند و لذا نهاد تعلیم و تربیت آن‌ها را به شهروندانی مسئول تبدیل می‌کند که قادرند با درکی مناسب از روابط متقابل اقتصادی تصمیم‌گیری مناسب و مسئولانه‌ای به‌عنوان یک شهروند، یک مصرف‌کننده یا صاحب یک کسب‌وکار داشته باشند همچنین در کشور ژاپن تعلیم و تربیت اقتصادی به‌صورت رسمی و غیررسمی به‌ویژه از جهت آموزه‌های خاص فرهنگی در زمینه‌ی سخت‌کوشی و دقت، نظم و انضباط، استفاده از هوش و استعداد برای نوآوری در کارها و فعالیت‌ها و... ریشه‌های عمیقی دارد (MKJS, ۲۰۰۴). باین‌حال تعلیم و تربیت اقتصادی در مفهوم نوین آن در مقاطع مختلف سنی و تحصیلی ژاپن به‌صورت جدی پیگیری می‌شود. به عقیده سیف (۱۳۸۳) در فرایند تربیت اقتصادی، دانش آموزان به‌صورت فعال مباحث اقتصادی را در ارتباط با موقعیت‌های عینی و عملی زندگی می‌آموزند و با درگیر شدن در مباحث اقتصادی که مرتبط با زندگی حال حاضر آن‌ها است به بازسازی تجربه و یادگیری رفتارهای اقتصادی و اقدام و عمل در این رابطه می‌پردازند. در این نظریه، بر الگوهای آموزشی مبتنی بر بحث گروهی که در آن‌ها یادگیرندگان به تبادل نظر می‌پردازند، تأکید می‌شود در ضمن بحث و گفتگوی کلاسی که میان دانش آموزان جریان می‌یابد موضوع‌های درسی به‌طور عمقی کندوکاو می‌شود و دانش آموزان ادراکات و تفاهم‌های خود را باهم در میان می‌گذارند در برنامه درسی تربیت اقتصادی، دانش آموزان با مسئله مرتبط به مؤلفه‌های اقتصادی مواجه می‌شوند. با استفاده از روش بحث گروهی، ضمن بحث و گفتگوی کلاسی که میان دانش آموزان جریان می‌یابد، مؤلفه‌های اقتصادی به‌طور عمقی کندوکاو می‌شود. دانش آموزان ادراکات و تفاهم‌های خود را باهم در میان می‌گذارند و مسئله‌های اقتصادی که در موقعیت‌های مختلف با آن مواجه می‌شوند توانایی حل آن‌ها را در ارتباط مؤلفه‌های اقتصادی پیدا می‌کنند. موسی زاده و صنعتی (۱۳۹۶) در مقاله خود به‌ضرورت اجرای برنامه‌های تربیت اقتصادی در کنار آموزش مهارت‌های اولیه بر اساس مؤلفه‌های تربیت اقتصادی آموزه‌های اسلامی اشاره نموده است. پاک مهر و تیموری (۱۳۹۵) در مقاله خود به اقتصاد سالم و مبتنی بر مبانی دینی یکی از رموز بقای جامعه اسلامی می‌باشد اشاره نموده است. پارشان در مقاله خود به نقش توسعه‌دهندگان برنامه درسی برای تبدیل برنامه‌های آموزشی به اقتصاد اشاره کرده‌اند. یک دوره‌ی سرمایه‌گذاری جذاب،

تحول آمیز و یکپارچه در سطح ابتدایی، اغلب تنها مواردی است که اکثر فارغ التحصیلان کسب و کار به تفکر و عملکرد اقتصادی می‌پردازند. کارلین در بررسی اجمالی خود که در دانشگاه آکسفورد^۱ انجام پذیرفته درباره توسعه برنامه درسی اقتصادی تأکید داشته است. حنیف بر این باور است که برای رشد اقتصادی بلندمدت هر کشوری، هدف اصلی سیاست‌گذاران اقتصاد سرمایه انسانی است. به عقیده یاوز سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش به منظور بهبود سرمایه انسانی است. دانش آموزان نظام آموزشی کشور که وارد زندگی خانوادگی و عهده‌دار مسؤولیت‌های اجتماعی مختلف می‌شوند، به نحو سیستماتیک واجد اطلاعات موردنیاز از مفاهیم و اصول اولیه اقتصادی نیستند. به طوری که نه در زندگی فردی خود و نه در مواجهه با موقعیت‌ها و شرایطی که صبغه اقتصادی دارند، آن‌گونه که باید و شاید حضور ندارند، در تفسیر و تعبیر جریان‌ات، تحولات و وقایع اقتصادی کشور، توانایی کافی از خود بروز نمی‌دهند؛ و آموخته‌های قبلی آن‌ها چه رسمی، از طریق برنامه‌های درسی آشکار آموزش و پرورش و چه غیررسمی از طریق برنامه‌های خانواده، نهادهای فرهنگی - آموزشی و رسانه‌های مختلف، به طور معمول ارتباطی به مسائل و مفاهیم اقتصادی و تدبیر زندگی بر اساس عقلانیت علمی ندارند.

با توجه به مطالب فوق پژوهشگر برای بررسی وضع موجود برنامه درسی دوره ابتدایی دوره ابتدایی از منظر تربیت اقتصادی با استفاده از نظر متخصصان امر (برنامه درسی، اقتصاد و معلمان باتجربه دوره ابتدایی) به تحلیل برنامه‌های درسی در این زمینه پرداخته و در نهایت با طرح سؤالات پژوهشی به بررسی وضع موجود، موانع و راهکارها اقدام کرده است.

سؤالات پژوهش

سؤال اول: به نظر شما، موانع و چالش‌های عمده در برنامه درسی دوره ابتدایی از منظر تربیت اقتصادی کدام‌اند؟ سؤال دوم: به نظر شما راهکارهای پیشنهادی جهت رفع موانع و رسیدن به پیامدهای مثبت در برنامه درسی دوره ابتدایی از منظر تربیت اقتصادی چه می‌تواند باشد؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر بر اساس نظریه داده بنیاد، به عنوان یکی از روش‌های مطرح در پژوهش‌های کیفی انجام شد. این روش که پایه‌گذاران آن گلیسر و اشتراوس هستند، بر نوعی استقراء استوار است که به وسیله داده‌های منتج از پژوهش، نظریه تولید می‌کند. در این روش جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و نظریه احتمالی نهایی، با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند و محقق به جای پیش فرض گرفتن یک نظریه با

ورود به حوزه مورد مطالعه به داده‌ها اجازه می‌دهد تا نظریه را پدیدآورند (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸). در نظریه داده بنیاد، پژوهشگر باید مواردی را انتخاب کند که به او در ساخت نظریه کمک کنند. ملاک انتخاب مشارکت‌کنندگان در این روش، متأثر از طرح و هدف پژوهش است. از آنجایی که هدف پژوهش کاوش و کشف عناصر اصلی برنامه درسی تعلیم و تربیت اقتصادی است، پژوهشگر به دنبال افرادی بود که تجربه مشترکی با موضوع پژوهش داشته باشند، به نحوی که بتوانند مشارکت اثربخش و اعتمادپذیری را برای پژوهش ایجاد کنند. از این نظر شیوه انتخاب آن‌ها هدفمند بود تا بتوان از طریق افراد انتخاب شده درک عمیقی از موضوع مورد مطالعه برای ساخت نظریه به دست آورد؛ بنابراین، برای انتخاب مشارکت‌کنندگان دو ملاک، به شرح ذیل اتخاذ شد که داشتن یکی از این دو شرط الزامی بود:

- تخصص علمی: افرادی که دانش کافی در زمینه مباحث برنامه درسی تعلیم و تربیت اقتصادی دارند؛ یعنی در ارتباط با موضوع تعلیم و تربیت اقتصادی به تألیف کتاب، مقاله با طرح پژوهشی اقدام کرده؛ یا اینکه در این زمینه دارای تحصیلات آکادمیک باشند.
- تجربه عملی: افرادی که با موضوع تعلیم و تربیت اقتصادی آشنایی دارند و همچنین حداقل ۱۵ سال سابقه تدریس در مدارس ابتدایی نیز دارند.

همچنین برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختارمند استفاده شد. پرسشنامه تخصصی برای اخذ نظرات کارشناسان تدوین گردید سپس پژوهشگر با مراجعه حضوری با افراد مصاحبه‌شونده دیدار و بعد از معرفی خود و شرح اجمالی از موضوع و روش پژوهش و دلیل انتخاب آن‌ها، پس از جلب رضایت برای مشارکت در این پژوهش، زمان مصاحبه با آن‌ها پیشنهاد دادند. راهنما و چارچوب موضوع پژوهش، قبل از اجرای مصاحبه، به آن‌ها ارسال شد تا فرصت تأمل بر موضوع و چگونگی انجام مصاحبه را داشته باشند. داده‌های این پژوهش از طریق مصاحبه با ۲۰ نفر از متخصصان برنامه درسی، اقتصاد و معلمان دوره ابتدایی انجام شد. همچنین حداقل زمان مصاحبه ۳۵ دقیقه و حداکثر زمان نیز ۶۵ دقیقه بود. در مجموع برای جمع‌آوری داده‌ها با ۲۰ نفر مصاحبه انجام شده که این داده‌ها از طریق مصاحبه با ۸ نفر از معلمان مدارس ابتدایی که هر ۸ نفر آن‌ها بین ۱۵ الی ۲۵ سال سابقه تدریس بودند، همچنین ۶ نفر آن‌ها دارای مدرک کارشناسی ارشد، ۲ نفر دانشجوی دکتری که ۱ نفر از پایه اول، ۱ نفر از پایه دوم، ۱ نفر از پایه سوم، ۱ نفر از پایه چهارم، ۲ نفر از پایه پنجم و ۲ نفر از پایه ششم بودند؛ و نیز مصاحبه با ۱۲ نفر از متخصصان برنامه درسی و اقتصاد که از اساتید دانشگاه بودند، شامل ۲ نفر دانشیار، ۱۰ نفر استادیار، طی چهار ماه گردآوری شد. فرایند تحلیل داده‌های حاصل از متن مصاحبه‌ها نیز با توجه به اهمیت آن در رویکرد نظریه داده بنیاد، هم‌زمان با جمع‌آوری

۱۰۸ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی سال یازدهم، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۸

داده‌ها و به صورت دستی، طی سه مرحله کدگذاری انجام شد. این سه مرحله مطابق نظریه داده بنیاد (به شکل: الف) کدگذاری باز؛ ب) کدگذاری محوری و ج) کدگذاری انتخابی بود (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸).

الف) کدگذاری باز: در پژوهش حاضر، مصاحبه‌های ضبط شده پس از پیاده‌سازی با استفاده از روش تحلیل محتوا به صورت سطر به سطر بررسی، مفهوم‌پردازی و مقوله‌بندی و سپس بر اساس مشابهت، ارتباط مفهومی و خصوصیات مشترک بین کدهای باز، مفاهیم و مقولات (طبقه‌ای از مفاهیم) مشخص شدند.

ب) کدگذاری محوری: در این مرحله نیز در پی یافتن رابطه موجود میان طبقه‌ها، مقوله تعیین محتوا بر اساس ویژگی‌های ارتباط با سایر مقولات، محور بودن در پژوهش، تکرار در داده‌ها و انتزاعی بودن به عنوان مقوله محوری پژوهش حاضر، انتخاب و مطالعه شد.

پ) کدگذاری انتخابی (مرحله نظریه‌پردازی): در این مرحله نیز با توجه به مفهومی‌ها و کدهای شناسایی شده، گزینش نهایی انجام شد و پژوهشگر در پی یکپارچه‌سازی و خالص کردن تحلیل‌های خود به منظور پدیداری مقوله اصلی برآمد. در این مرحله سعی بر آن است که مقوله‌ها به گونه‌ای انتخاب شود که مقوله اصلی استخراج شده، عمده مفاهیم پدید آمده در مراحل قبل را پوشش دهد.

یافته‌ها

در پاسخ به سؤال‌های پژوهش، داده‌های کیفی گردآوری شده از فرایند اجرای مصاحبه‌های نیمه ساختارمند با افراد نمونه پژوهش به صورت کدگذاری باز، تجزیه و تحلیل شد. اجرای فرایند کدگذاری باز روی داده‌های کیفی گردآوری شده، ابتدا به استخراج تعداد زیادی مضمون فرعی منجر شد که با بررسی‌های مجدد و بازنگری‌های انجام شده و بر اساس مشابهت‌ها و اشتراکات مفهومی، این مضامین به تعداد ۳۶ مضمون فرعی تقلیل یافته و دسته‌بندی شدند. در ادامه، این مضامین استخراج شده به ۴ مضمون اصلی تبدیل شدند (جدول ۱). یافته‌های به دست آمده از فرایند اجرای مصاحبه‌ها، کدگذاری سه مرحله‌ای حاصل از (جدول ۱) در قالب مفاهیم کلی ناشی از تحلیل موانع و چالش‌ها، راهکارها و پیامدهای ناشی از ایجاد برنامه درسی تربیت اقتصادی دوره ابتدایی از دیدگاه متخصصین در (جدول ۲) آمده است.

تحلیل برنامه درسی موجود دوره ابتدایی از منظر تربیت اقتصادی؛ چالش‌ها و موانع □ ۱۰۹

جدول ۱: توزیع فراوانی مفاهیم کلی و فرعی برنامه درسی تربیت اقتصادی از دیدگاه متخصصان

رتبه	درصد فراوانی	فراوانی	مضامین فرعی تربیت اقتصادی	مفاهیم کلی
۲	۹,۷۷	۶۰	بهره‌وری	مهارت بخشی
۹	۴,۳۹	۲۷	خلاقیت	
۲۳	۰,۸۱	۵	قانون‌مندی	
۱۶	۱,۷۹	۱۱	مسئولیت‌پذیری	
۲۲	۰,۹۷	۶	اعتمادبه‌نفس	
۲۲	۰,۹۷	۶	بهداشت فردی	
۵	۵,۵۳	۳۴	کار و کارآفرینی	
۲۰	۱,۳	۸	تجارت و تجارت جهانی	شاخص‌های اقتصادی
۱۵	۱,۹۵	۱۲	کمیابی	
۲۴	۰,۶۵	۴	بازار و بورس	
۱۴	۲,۴۴	۱۵	هزینه	
۷	۴,۸۸	۳۰	درآمد	
۱۹	۱,۴۶	۹	صادرات و واردات	
۴	۵,۷	۳۵	تولید	
۸	۴,۵۶	۲۸	مصرف	
۱۵	۱,۹۵	۱۲	سرمایه و سرمایه‌گذاری	
۲۱	۱,۱۴	۷	ثروت و پس‌انداز	
۱۹	۱,۴۶	۹	بودجه و پول	
۱۱	۳,۰۹	۱۹	اشتغال	
۱۸	۱,۶۲	۱۰	منابع	
۳	۷,۱۶	۴۴	شایسته‌سالاری	
۱۲	۲,۷۶	۱۷	آینده‌نگری	
۱۷	۱,۶۲	۱۰	عدالت	
۱۶	۱,۷۹	۱۱	محیط‌زیست	
۶	۵,۰۴	۳۱	نیازهای جامعه	
۱۶	۱,۷۹	۱۱	فناوری	
۱۳	۲,۶	۱۶	مشارکت	
۲۵	۰,۴۸	۳	حفظ آب	
۱۶	۱,۷۹	۱۱	انرژی	
۱	۱۳,۱۹	۸۱	فرهنگ و نگرش	
۲۶	۰,۳۲	۲	هویت	
۲۵	۰,۴۸	۳	امید به زندگی	

۱۱۰ فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی سال یازدهم، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۸

رتبه	درصد فراوانی	فراوانی	مضامین فرعی تربیت اقتصادی	مفاهیم کلی
۲۶	۰,۳۲	۲	اتفاق	ساده زیستی
۲۶	۰,۳۲	۲	اسراف	
۱۰	۳,۲۵	۲۰	قناعت و صرفه‌جویی	
۲۵	۰,۴۸	۳	فقر	

جدول ۲: زمینه کلی، مؤلفه‌های اصلی، مؤلفه‌های فرعی، فراوانی، درصد و رتبه موانع و چالش‌ها، راهکارها و پیامدهای ناشی از ایجاد برنامه درسی تربیت اقتصادی دوره ابتدایی از دیدگاه متخصصین

رتبه	درصد	فراوانی	مضمون فرعی	مضمون‌های اصلی	ردیف
۹	۵,۵۳	۳۴	۱. بستر کارآفرینی بیشتر و توسعه همه‌جانبه اتفاق می‌افتد	مهارت بخشی	۱
۵	۷,۹۸	۴۹	۲. ایجاد تفکر سیستمی در دانش آموزان، تربیت دانش‌آموزانی خلاق و آشنا با تفکر اقتصادی و شهروندانی مسئولیت‌پذیر		
۳	۱۰,۷۴	۶۶	۳. رونق اقتصادی در بخش صنعت و کشاورزی، کاهش تورم و باعث رشد اقتصادی و بالا رفتن بهره‌وری جامعه می‌شود		
۸	۶,۵۱	۴۰	۴. ایجاد شغل‌های نو و اشتغال برای قشر عظیمی از جامعه، آشنایی با بازار، تجارت و تجارت جهانی، صادرات و واردات و کاهش آمار بیکاری.	شاخص‌های اقتصادی	۲
۴	۸,۱۴	۵۰	۵. استفاده صحیح و پایدار از منابع ملی و طبیعی، مصرف و کمیابی در جامعه.		
۱	۱۷,۵۸	۱۰۸	۶. افزایش سطح تولید با تلاش مردم و ایجاد محیط کار مناسب، افزایش درآمد، مدیریت هزینه، کسب سرمایه، گسترش سرمایه‌گذاری، ثروت، بودجه و نقدینگی مردم.		
۱۵	۰,۸۱	۵	۷. افزایش سطح کیفیت زندگی، بالارفت سطح امید به زندگی، احساس هویت افراد جامعه با دید مثبت	توسعه اجتماعی	۳
۷	۶,۶۷	۴۱	۸. شناسایی مسائل اقتصادی جامعه رفع نارسایی‌ها و ایجاد جامعه عادل می‌تواند تحقق پیدا کند.		
۱۲	۲,۷۶	۱۷	۹. تأمین مالی آموزش و پرورش = مشارکت بالا و آینده سازی جامعه		
۱۳	۲,۶	۱۶	۱۰. مشارکت‌کنندگانی مؤثر در اقتصاد داخلی و بین‌المللی		
۱۱	۴,۰۷	۲۵	۱۱. آشنا با محیط‌زیست، حفظ آب و استفاده درست از انرژی		
۲	۱۳,۱۹	۸۱	۱۲. تغییر فرهنگ، اراده و نگرش در افراد جامعه		

تحلیل برنامه درسی موجود دوره ابتدایی از منظر تربیت اقتصادی؛ چالش‌ها و موانع □ ۱۱۱

رتبه	درصد	فراوانی	مضمون فرعی	مضمون‌های اصلی	ردیف
۶	۷,۱۶	۴۴	۱۳. تربیت نیروی انسانی شایسته، متخصص، مولد، کارآفرین و آموزش‌دیده با قدرت تصمیم‌گیری بالا		
۱۴	۱,۷۹	۱۱	۱۴. دانش محوری اتفاق می‌افتد متناسب با فناوری روزآمد (اقتصاد دانش‌بنیان).		
۱۰	۴,۳۹	۲۷	۱۵. ترویج ساده زیستی، اصلاح الگوی مصرف و صرفه‌جویی، قناعت، انفاق و فقر	ساده زیستی	۴

طبق جداول (۱ و ۲) پس از مصاحبه با متخصصین، فرایند تحلیل داده‌های کیفی شامل کدگذاری و طبقه‌بندی داده‌ها انجام شد، در قالب مضامین (بهره‌وری، خلاقیت، قانون‌مندی، مسئولیت‌پذیری، اعتمادبه‌نفس، بهداشت فردی، کار و کارآفرینی، تجارت و تجارت جهانی، کیمایی، بازار بورس، هزینه، درآمد، صادرات و واردات، تولید، مصرف، سرمایه و سرمایه‌گذاری، ثروت و پس‌انداز، بودجه و پول، اشتغال، منابع، شایسته‌سالاری، برنامه‌ریزی و آینده‌نگری، عدالت، محیط‌زیست، نیازهای جامعه، نوآوری و فناوری اطلاعات، مشارکت، حفظ آب، انرژی، فرهنگ و نگرش، هویت، امید به زندگی، انفاق، اسراف، صرفه‌جویی و قناعت و فقر) با تعداد فراوانی هر طبقه، طبقه‌بندی شد و در چهار دسته مفهوم کلی مهارت بخشی، آموزه‌های اقتصادی، توسعه اجتماعی و ساده زیستی دسته‌بندی گردید. مطابق تحلیل فوق مضامین فرعی (فرهنگ و نگرش، بهره‌وری، شایسته‌سالاری، تولید، کار و کارآفرینی، نیازهای جامعه، درآمد، مصرف، خلاقیت، صرفه‌جویی و ...) از فراوانی بالایی از نظر متخصصین برنامه‌ریزی، اقتصاد و معلمان برخوردارند؛ و مفاهیم کلی (افزایش سطح تولید با تلاش مردم، ایجاد محیط کار مناسب، افزایش درآمد، مدیریت هزینه، کسب سرمایه، گسترش سرمایه‌گذاری، ثروت، بودجه، نقدینگی، تغییر فرهنگ، اراده و نگرش افراد جامعه، رونق اقتصادی در بخش صنعت و کشاورزی، کاهش تورم، رشد اقتصادی و بالا رفتن بهره‌وری جامعه) از فراوانی بالایی از نظر متخصصین برنامه‌ریزی، اقتصاد و معلمان برخوردارند. به‌طورکلی دسته توسعه اجتماعی از تعداد فراوانی بالایی در لابه‌لای مصاحبه‌های متخصصین برخوردار بودند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به تحلیل برنامه‌های درسی دوره ابتدایی از منظر تربیت اقتصادی و همچنین چالش‌ها و موانع مربوطه پرداخته و با بهره‌گیری از پرسشنامه داده بنیاد نسبت به جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها اقدام شده است. تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از چالش‌ها و موانع موجود در حوزه تربیت اقتصادی نشایت گرفته از آموزش معیوب دانش آموزان در حوزه اقتصادی است. متخصصان مربوطه مواردی مانند؛ رونق اقتصادی با گسترش سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و کشاورزی، افزایش سطح تولید در جامعه با ایجاد محیط کار مناسب و متناسب آن افزایش درآمد و بالا رفتن بهره‌وری جامعه، کسب سرمایه، ثروت و مدیریت هزینه، تغییر در فرهنگ، اراده و نگرش افراد جامعه، رشد اقتصادی و بالا رفتن بهره‌وری جامعه را لازم و ضروری می‌دانند؛ و همچنین به بازنگری کتب درسی و جهت نهادینه کردن مباحث اقتصادی مهم تأکید می‌کنند. از طرفی دانش آموزان امروزی که در آینده وارد زندگی اجتماعی شده و عهده‌دار مسئولیت‌های اجتماعی مختلف می‌شوند اطلاعات اساسی و منظم درباره مفاهیم و اصول اولیه اقتصادی نداشته و در تجزیه و تحلیل مسائل و تحولات اقتصادی توانایی لازم را از خود بروز نمی‌دهند. آموخته‌های رسمی و غیررسمی دانش آموزان مسائل و مفاهیم اقتصادی را پوشش نمی‌دهد، لذا جهت تجهیز دانش آموزان در حفظ استقلال جامعه و قدرت مقاومت آن در برابر حوادث مختلف فهم درست و کافی دانش آموزان از دانش اقتصاد در قالب برنامه‌های درسی نیاز مبرم وجود دارد. نادیده گرفتن این امر در برنامه‌ریزی‌های مختلف از سوی مسئولان، پیامدهای جبران‌ناپذیری را برای فرد و جامعه خواهد داشت. درنهایت با بالا بردن دانش و مهارت اقتصادی و آشنا کردن فراگیران با شاخص‌های اقتصادی می‌توان نسبت به ترویج فرهنگ ساده زیستی، قناعت و توسعه اجتماعی با الهام گرفتن از اعتقادات دینی اقدام کرد. داشتن جامعه‌ای پویا، توسعه یافته همراه با دانش اقتصادی مطلوب با گنجاندن مفاهیم اقتصادی در محتوای برنامه‌های درسی دوره ابتدایی جهت انتقال آن به دانش آموزان امکان‌پذیر می‌باشد.

تحلیل برنامه درسی موجود دوره ابتدایی از منظر تربیت اقتصادی؛ چالش‌ها و موانع □ ۱۱۳

پیشنهادات

۱. با تربیت دانش آموزان از منظر اقتصادی به ایجاد شغل‌های نو، افزایش سطح تولید، رونق بازار، مشارکت افراد در تجارت، کاهش آمار بیکاری، افزایش درآمد و سرمایه مردم، بالا رفتن بهره‌وری و رشد اقتصادی جامعه اهمیت داده شود.
۲. با تربیت دانش آموزان از منظر اقتصادی به استفاده صحیح و پایدار آن‌ها از منابع ملی، آشنایی آن‌ها با محیط‌زیست، حفظ منابع آب و حفظ انرژی اهمیت داده شود.
۳. با تربیت دانش آموزان از منظر اقتصادی به رواج عدالت، مشارکت و آینده‌نگری در جامعه اهمیت داده شود.
۴. با تربیت دانش آموزان از منظر اقتصادی به تربیت نیروی انسانی شایسته و مسئولیت‌پذیر، متخصص، کارآفرین، مولد با قدرت تصمیم‌گیری بالا و تغییر در فرهنگ و نگرش افراد جامعه پرداخته شود.
۵. با تربیت دانش آموزان از منظر اقتصادی به اصلاح الگوی مصرف، کمیابی در منابع جامعه، ترویج ساده‌زیستی، قناعت و بالا رفتن امید در زندگی مردم پرداخته شود.

منابع

- استراوس، انسلم. کرین، جولیت. (۱۹۹۸). مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای (ترجمه ابراهیم افشاری). تهران: انتشارات نشر نی.
- پاک مهر، حمیده و تیموری، محمود (۱۳۹۵). طراحی برنامه درسی تربیت اقتصادی با تأکید بر مبانی دینی. اولین همایش ملی تازه‌های تعلیم و تربیت در نظام آموزشی ایران. اردکان. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردکان.
- عمادزاده، مصطفی (۱۳۹۵). اقتصاد آموزش و پرورش. (چاپ بیست و ششم). اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد اصفهان.
- متوسلی، محمود (۱۳۷۰). سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی و توسعه اقتصادی. تهران: موسسه پولی و مالی.
- موسی زاده، زهره و عظیم زاده اردبیلی، فائزه و صنعتی، فاطمه (۱۳۹۶). کاربرست مؤلفه‌های حوزه توزیع تربیت اقتصادی در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر آموزه‌های اسلامی. فصلنامه علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۳ و ۵، ۲۰-۵.
- طغیانی، مهدی و زاهدی وفا، محمدهادی (۱۳۹۱). امکان بهره‌گیری از آثار تمدن اسلامی در طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی فرهنگ اقتصادی. مجله معرفت اقتصاد اسلامی. ۲، صفحات: ۵۵-۷۶.

۱۱۴ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی سال یازدهم، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۸

- سیف، علی‌اکبر و دیگران (۱۳۸۳). تأثیر دانش فراشناختی و آموزش روش خود پرسشگری هدایت‌شده بر عملکرد حل مسئله کودکان، یک رویکرد فراگرا. مجله روانشناسی، تابستان ۱۳۸۳، دوره هشتم، شماره ۲، صفحات ۱۴۴ تا ۱۵۷.
- طغیانی و پیغامی (۱۳۹۵). تعلیم و تربیت اقتصادی جلد ۱ و ۲. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- متوسلی، محمود. آهن چیان، محمدرضا (۱۳۹۴). اقتصاد آموزش و پرورش. چاپ نهم. تهران: انتشارات سمت.
- Kcee(۲۰۰۸); Korean council for economic education. Seoul.
- Mkjs (۲۰۰۴); allgemin bildendes gymnasium. Wirtschaft. Berlin; MINISTERIUM FUR KULTUS JUGEND UND SPORT.
- Nadia, Hanif., N,A (۲۰۱۵). Relationship between school education and economic Growth: SAARC countries. International journal of economics and financial Issus.
- Prashan,SH.,MK.,Y,B.,L,V. (۲۰۱۶). Transforming the economics curriculum by integrating threshold concepts, Education+ Training, vol.۵۸ Issue: ۵, pp.۴۹۲-۵۰۹
- Wendy,carlin. (۲۰۱۵).economic curriculum development. Institute for new economic thinking at the oxford martin school. London.
- Yavuz,k (۲۰۱۲). Egitimekonomisinedir? Der: EDS-۲۶۳ Hazirlayan Numara: ۲۰۱۰۲۷۳۳ ogretmen cansumeryemaydar ۲۵,۳۰,۲۰۱۲